

صدای استان ها هم در این روزها برنامه های خاصی را تدارک دیده اند که مجموع آنها به ۱۲ هزار دقیقه می رسد و در ۲۳ رادیوی استانی تولید و پخش می شوند. صدای استان ها همچنین پویش های مردمی ازجمله «هر خانه یک موبکب اربعین»، «امتداد اربعین به محیط و فضای خانه» و... را دنبال می کنند.

که در این ایام به مساله قیام عاشورا می پردازند، ۵۴ویژه برنامه هم با مدت زمان مجموع ۴۸۶۰ دقیقه تولید و روانه آنتن می کنند. همچنین مقررشده تا ۵مهر، سیمای مراکز مطابق جدول اعلامی، ارتباط مستقیم با کرلای معلی و عمود۱۱۲۰ مسیر نصف به کرلای برقرار کنند.

برنامه های مختلفی با مدت زمان ۱۶ هزار و ۸۶۰ دقیقه به مناسبت فرارسیدن اربعین حسینی از شبکه های استانی صداوسیما پخش می شود. به گزارش روابط عمومی معاونت امور استان های سازمان صداوسیما، همزمان با اربعین حسینی، سیمای مراکز استانی رسانه ملی علاوه بر برنامه های روئین

## شب ها از شبکه یک پخش می شود

# دلیل نیست



افرای ها در برنامه جام جم بهشتی نشستند و به پرسش ها و نظرات درباره این سریال پاسخ دادند؛ نگار: علیرضا مهدی پور/ جام جم

به موضوع محیط زیست و از آن بیشتر محیط بانان پرداخته شده است. قصه ای با ریتم پر فراز و فرود که گاهی هم روند ثابتی را طی می کند. در این مجموعه در کنار بازیگرانی مثل مهدی سلطانی، پژمان بازغی، فریبا متخصص، پیام دهکردی، روزبه حساری، مینا وحید و... چهره های تازه ای هم در این مجموعه معرفی شدند. هامون سیدی، سارا باقری و محمد صادقی از بازیگرانی اند که اولین تجربه سریالی شان را با افرا پشت سرگذاشتند. ما هم در جام جم میزبان این بازیگران و کارگردان و یکی از تهیه کنندگان افرا شدیم.

## انتخاب پرریسک اما موفق بازیگران بومی



**❖ شما از ریسک انتخاب چهره های بومی گفتید، چه ریسکی داشت؟ مگر آنها بازیگر نبودند؟**

**توفیقی:** به هر حال حضور در این فضا و تصویربرداری ممتد برای هر کسی ساده نیست. از خیلی بازیگران شنیدم که می گفتند آدم جلوی مهدی سلطانی می ایستد همه چیز یادش می رود. این ترکیب راحتی نبود و بازی جلوی افرادی مثل مهدی سلطانی هم کار آسانی نیست. تاجایی که بازیگری که سال ها تئاتر کار کرده هم این را می گوید. با این حال تک تک بازیگران بومی از پس نقش شان برآمدند و هر نقشی که به آنها دادیم را پررنگ تر کردند و رنگ نویی به آن دادند. برای من انتخاب بازیگران بومی و دیده شدن آنها یکی از ارزش های «افرا» بود.

**دارایی:** اصلا این وظیفه ماست. زمانی که در شهرستان کار می کنیم باید حواسمان باشد که آن منطقه عده ای بازیگر دارد که سال ها تلاش کردند و نمی توانند دیده شوند. آقای

## ماجرای اعتماد عقیل به افرای ها

**❖ آقای سیدی اقبل از این کار در تئاتر و سینما فعالیت داشتید و اینجا در قالب نقشی ظاهر شدید که فراز و فرودهای زیادی را تجربه می کند. کمی از این اتفاق بگویید، نگران نتیجه آن نبودید؟**

**هامون سیدی:** ابتدا متن را خیلی مطالعه نکردم و آقای توفیقی آن را برایم توضیح دادند. من ایشان را دوردور می شناختم و کارهایشان را دنبال می کردم. واقعیت است که من صد درصد اعتماد کردم. این اولین تجربه سریالی من بود و قاعدتا باید می ترسیدیم اما بهرنگ جان این ترس را کاملا از بین برد. از همین رو هر چیزی که می بینید الان روی آنتن رفته، هرقدر خوب است همه به کمک آقای توفیقی بوده و این را همیشه گفته ام.

**توفیقی:** ایراده ها هم گردن خودت است. (با شوخی و خنده)

**سیدی:** بله، دقیقا (با خنده)

**❖ یعنی هدایت ایشان در بازی شما تاثیر زیادی داشت؟**

من دوست دارم در نقشم خیلی بازی را لحاظ کنم اما این زیاد بازی کردن حتما باید با حضور یک کارگردان و مدیر قیچی شود، یعنی لازم است تا گاهی کسی از بیرون حواسش به غلظت بازی ام باشد. این اتفاق در افرا هم برایم

## اربعین با ۱۷ هزار دقیقه برنامه در شبکه های استانی

## مشکلات حقوقی و پزشکی و جای خالی یک نظر واحد

**❖ درباره بخش هایی از قصه که در دادگاه و بیمارستان می گذرد، اشاره هایی به خطاهایی که در کار وجود دارد شده، شما چقدر به این موارد واقف هستید؟**

**توفیقی:** اساسا روند به این شکل است که شما اشخاصی را به عنوان مشاور پزشکی، قضایی، مذهبی و... در کارتان دارید. من معتقدم که این فضا باید ساماندهی و به ما کمک شود. مثلا در مورد احیا من هیچ وقت آن صحنه را ندیدم و برای همین کار، دو پزشک دونظر جدا درباره زمان این جریان داشتند. من نمی خواهم بگویم که کار بی نقصی ساختیم اما به عنوان کارگردان فکر می کنم که اینها وظیفه من نیست و خوب است تشکلی داشته باشیم که به ما نظر بدهند تا بتوانیم حرکت روبه جلویی داشته باشیم. از سوی دیگر مثلا در مورد مشاور حقوقی هم باید بپذیرند که این درام و نمایش است و از طرفی هم باید کارشناسان متخصصی از سوی خود این دوستان به ما معرفی شوند.

**دارایی:** زمانی که فیلمنامه در مرحله نگارش بود، مشاور حقوقی در کنار نویسنده ها بود و در مرحله اجرا نیز یک مشاور حقوقی سر صحنه آوردیم؛ از طرفی بازیگر نقش قاضی هم کارش قضایی است. بازیگر نقش وکیل اولیای دم هم در دادگستری کار می کند. یعنی در کنار ما کلی مشاوران حقوقی بودند. بحث من این است که ما از کجا می دانیم کدام یک درست گفته و کدام یک غلط. بنابراین حرفی که آقای توفیقی گفت بسیار درست است. یعنی مثلا ناجی هنر حتما باید به ما یک مشاور انتظامی معرفی کند وگرنه ما نمی توانیم سکانس های نیروی انتظامی را بگیریم. من که نمی توانم یک پلیس را از سر چهارراه بردارم سر صحنه بیاورم. این اگر ضابطه مند شود، اتفاقات بهتری در سریال ها می افتد. خوب است بدانید ما در بخش محیط زیست هم مشاور داشتیم. می خواهم بگویم هیچ بخش این کار بدون مشاور اتفاق نیفتاده است. ولی این که چه چیزی درست است و چه چیزی غلط را مشاورها به ما گفتند. شما نقدها را هم مطالعه کنید متوجه می شوید که در نقدها هم این اختلاف نظر وجود دارد. پس ما باید چه کار کنیم؟ البته باید بدانیم دنیای درام چیز دیگری است و قرار نیست همه چیز عین واقعیت باشد.

## رفتار مسعود کاملا منطقی است



**❖ یکی از انتقادهایی که به کار شما وارد شده این است که اصولا محیط بان به دلیل این که با جنگل و طبیعت سروکار دارد آدم مهربانی است و روحیات لطیفی دارد. اما مسعود بسیار آدم خشن و سردی است.**

**توفیقی:** اگر قسمت ۱۰ را دیده باشید که در آن قسمت مسعود قتل می کند، حتما نگاه عاشقانه مسعود به جنگل و گوزن ها را دیده اید که در ابتدای آن قسمت بود. چون فقط طبیعت با مسعود مهربان است و آدم های دیگر با او مهربان نیستند و او را درک نمی کنند. وقتی علایق و عشق مسعود دیده نمی شود؛ حتی از طرف عزیزانش چه توقعی از رفتار مسعود دارید؟

**دارایی:** به هر حال هر شخصیتی یک سری بدی ها و یک سری خوبی ها دارد.

**توفیقی:** مسعود اصلا بد نیست. وقتی در سالن ملاقات شکارچی را می بیند که با همسرش چگونه صحبت می کند و متوجه می شود از سر ناچاری و فقر سراغ شکار رفته دیگر آن نگاه را نسبت به آن شکارچی ندارد. با این که دلش می سوزد اما نمی تواند عشقش را به جنگل و محیط زیست هم فراموش کند. ولی تحت تاثیر قرار می گیرد.

**دارایی:** ضمن این که سریال است و ۴۰ قسمت دارد. بنابراین باید تا پایان سریال صبر کنید.

**❖ مگر قرار است در پایان چه اتفاقی بیفتد؟**

**توفیقی (به شوخی):** حاج محمود عقیل را می کشد.

**دارایی:** اگر ما احساس می کنیم که هر کسی نکته اخلاقی بدی دارد، باید تا پایان صبر کنیم بدانیم در انتها داستان نتیجه گیری می کند این بدی خوب بود؟ پس صبوری کنیم.

**توفیقی:** من تا به حال ۹ سریال ساخته ام و هیچ کدام به اندازه «افرا» پایان شیرین و خوشی نداشته که البته آن هم به اقتضای قصه است.

**پس بعد از این همه تلخی باید منتظر پایان خوش بمانیم؟**

**دارایی:** می خواهم درباره تلخی داستان توضیحی بدهم. قبول دارم که کار ما تلخ است اما این ماهیت قصه است. وقتی در یک قصه یک جوان می میرد طبیعی است که ماجرا تلخ می شود. حتی وقتی قرار است یک جوان اعدام شود به حال داستان تلخ است اما ماهیت قصه تلخ است. از طرفی قبول دارم که حال مردم و جامعه خوب نیست و این تلخی ادیت شان می کند، ولی وقتی همه می بینند و می گویند تلخ است بدین معناست که کار ما سیاه نیست. چون اگر سیاه بود کسی دنبال نمی کرد و این سیاهی آزاد رهنده می شد اما آقای توفیقی گفت ان شاء... پایان قصه شیرین می شود.

**❖ نوع نگاه شما در قالب نقش عقیل جالب بود. علاوه بر راهنمایی آقای توفیقی این نگاه و رفتار از کجا آمده است؟**

**توفیقی:** نوع نگاه کردن عقیل مربوط به بازی خود هامون بود. من فقط یک جاچه هایی کم و زیادش می کردم اما جزو ویژگی های رفتاری این شخصیت بود که هامون برایش در نظر گرفت.

**سیدی:** دقیقا. من عاشق گیلان هستم و تا ۲۹ سالگی آنجا بزرگ شدم و زندگی کردم. بنابراین آدم های خشن اما مهربان را خیلی دیده بودم. البته نوع زیست شان برمی گردد. به هر حال عقیل از زندگی و کارش شاکی است و یک جاهایی طبیعی است کمی خشونت داشته باشد. واقعیت اما این است که اصلا فکر شده نبود و یک جاهایی ناخودآگاه برای من پیش می آمد. چون دلی بود و به شرایط آن سکانس بستگی داشت.



## چرایی چند اتفاق تکراری



**❖ آقای توفیقی! اتفاقی که در اغلب آثار شما زیاد افتاده حضور آقای سلطانی است، چرا این طور است؟ خیلی به ایشان علاقه دارید؟**

**توفیقی:** (به شوخی) مجبور می شوم. تهیه کننده ها او را می خواهند، من نمی خواهم (همه می خندند). واقعیت این است که دو نکته وجود دارد. یکی این که رسیدن به زبان مشترک خیلی حال آدم را خوب می کند؛ البته کار را راحت نمی کند. اشتباه نکنید. فکر نکنید کار کردن با مهدی سلطانی در افرا برای من خیلی راحت بود. برای خودش هم راحت نبود. من وقتی به مهدی سلطانی می گویم نقش حاج محمود را می خواهم بازی کنی که کارخانه دار است، به دنبال تفاوت و نقش اش در سریال «پدر» می گردد و همین موضوع کار را برای او هم سخت می کند. مهدی سلطانی تمایلی به تکرار خودش ندارد. بنابراین برای این که تفاوت ها را ایجاد کند زحمت می کشد. این تفاوت ها با ظرافت هایی همراه است. یعنی اسماعیل نفر در «زیر پای مادر» با شخصیتی که در پدر بازی کرد خیلی متفاوت بود. در «آقازاده» نقش دکتر بحری، کاراکتری متفاوت از آن دو نقش بود. اما در افرا حاج محمود به راحتی می توانست تکرار شود اما آقای سلطانی این کار را نکرد و تلاش کرد متفاوت از شخصیت هایی باشد که تا به حال بازی کرده است. آقای سلطانی بازیگری است که نسبت به کاری که انجام می دهد خیلی شناخت و درایت دارد. به همین دلیل همکاری با چنین بازیگری برای هر کارگردانی لذتبخش است اما اگر دوست ندارید من با آقای سلطانی کار نمی کنم (می خندد)!

**❖ این تمايز وجود دارد اما یک جاهاایی همان جدیت نگاه پدر را می بینیم!**

**توفیقی:** به هر حال مهدی سلطانی این نقش ها را بازی می کند و یک جاهایی خودش است.

**❖ حتی نسربین بابایی ما را به یاد نقش وارث می اندازد!**

**توفیقی:** متاسفانه من سریال «وارث» را ندیدم.

**دارایی:** از چه نظر شباهت دارد؟

**❖ به لحاظ گریم و بازی و نقش می مادر گیلانی!**

**دارایی:** در گریم خانم ها که خیلی نمی توان تفاوت را ایجاد کرد. ضمن این که بازی وارث و ۷۰ سالگی ادامه داشت. به نظرم کمی بی انصافی است. خانم بابایی در وارث یک خانم کاملا روستایی را به خوبی بازی کرد. اما اینجا همسر حاج محمود است. من در آن سریال هم بودم و کاملا در جریان پلان به پلان کار هستم. البته که فرم دیالوگ گفتن و حس بازیگری یکی است اما کاملا متفاوت بازی کرد. به نظر من خانم بابایی یکی از بازیگران توانای تلویزیون است.

**سیدی:** به هر حال در بازیگری که نمی توان چشم یک بازیگر را زکامی کرد. من در تئاتر یاد گرفته ام که در راه رفتن و نگاه کردن بازی کنم. اما مردمک چشمم را که نمی توانم بازی بدهم. در دنیا همین مساله هست. بازی آل پاچینو و رابرت دنیرو را هم که ببینید، در هر کاری متفاوت است. اما نگاه یکی است. من خانم بابایی را خیلی وقت است که می شناسم؛ برای همین طرفداری کردم!

**توفیقی:** من با بازیگرهایم همیشه رفاقت می کنم اما رفاقت در راستای کار است. یعنی رفیق من هستی اما همین قدر که کار برای من مهم است، برای تو هم باید مهم باشد. بنابراین برای تک تک بچه ها این اتفاقات می افتاد. مثلا برای سکانسی که سارا باقری قرار بود اشک بریزد، از دو ساعت قبل این آدم را در حال خودش نمی دیدید. هامون هم همین طور. من خیلی با هامون شوخی می کردم. اما سر صحنه در حال خودش بود و خودش را برای بازی آماده می کرد. همین طور محمد صادقی که از داخل هدفن صدای قلبش را می شنیدم که چقدر برای نقش اش انرژی گذاشت. من در انتخاب بازیگر افرادی را انتخاب می کنم که می دانم به اندازه من انگیزه در کار دارند. بعد فضا را برایشان آماده می کنم. تک تک بچه ها هم خیلی برای کار زحمت کشیدند.

## تصویربرداری هوایی

**❖ درباره نماها و قاب بندی های سریال فکر نمی کنید از تصویربرداری هوایی خیلی زیاد استفاده کردید؟ می خواستید کار سینمایی تر شود؟**

**توفیقی:** تصویربرداری هوایی ما به چند دسته تقسیم می شود. بخش پیش درآمد سریال که قبل از تیتراژ پخش می شد که هرکدام فرمی دارد که محمد دارایی ساخته و من نساختم. نکته دوم نماهای معرف بود. معرفی شخصیت ها و شهر که لازمه کار آقای دارایی بود. نکته دیگر نماهای هوایی که جزو دکوپاژ من است. یعنی نماهایی که با دکوپاژ من تعریف شده است. مثلا در پرورش ماهی حرکت ماهی ها را وقتی از بالا می بینید جذاب تر و زیباتر است. بنابراین نماهای هوایی اقتضای فیلمنامه و نوع نگاه من در کارگردانی است. شاید بیننده تلویزیون خیلی به دیدن این پلان ها عادت ندارد. من دوست ندارم سریالی که می سازم همزمان با خوردن شام و کار در آشپزخانه دیده شود. بیننده باید پای تلویزیون بنشیند و سریال را با جزئیات ببیند. چون من بیننده تلویزیون را بسیار باهوش و بادقت می بینم.

## زندگی افرای بی

**❖ باید منتظر فصل دوم افرا بمانیم یا نه؟**

**توفیقی:** من هیچ کدام از سریال هایی که ساختم فصل دوم ندارد. چون خودم دوست ندارم. به این دلیل که با شخصیت هایم زندگی و با کار خیلی احساسی برخورد می کنم و این فاصله و بعد رجوع کردن را دوست ندارم. من یک سال افرای زندگی کردم. بنابراین، این رجعت خیلی سخت است اما دوست دارم قصه ای شبیه به افرا با گروه دیگری ساخته شود.